

اخبار و گزارش های کارگری 28 مرداد ماه 1402

- بنر اعتراضی تیم ورزشی دراگون بوت در فرودگاه بوشهر:
تقدیم مدال جهانی ورزشکاران بوشهری به مردم، غیر از مسئولان
- ادامه اعتراضات کارگران شهرداری خاش نسبت به عدم پرداخت چند ماه حقوق و خالی بندی شهردار مبنی برپه روز پرداخت شدن حقوق
- فراخوان کارکنان شرکت مخابرات ایران برای اعتصاب از یکم شهریور در صورت عدم پرداخت حقوق تا 31 مرداد
- تداوم بازداشت فعالان حقوق زنان و فعالان سیاسی گیلان و احضار تلفنی خانواده های بازداشت شدگان
- تجمع اعتراضی خانوادگی کنکوری های 1402 نسبت به مصوبه شورای انقلاب فرهنگی مبنی بر تاثیر قطعی معدل
- تجمع اعتراضی جمعی از دانشجویان دندانپزشکی نسبت به دیر اطلاع رسانی زمان و اعلام نشدن منابع آزمون مقابل وزارت بهداشت
- تجمع اعتراضی سهامداران شرکت وسدید مقابل ساختمان شرکت فرابورس
- بازداشت فرمیسک بابایی در پاوه و تداوم بی خبری از وضعیت او
- بازداشت مهسا بصیر توانا و تداوم بی خبری از وضعیت او
- محرومیت از تحصیل در آستانه فارغ التحصیلی!
- انصراف دو تن از دانشجویان رشته ی مطالعات فرهنگی و انسان شناسی
- سایه ی سرکوب بر سر اساتید
- در ادامه فشار بر سارا سیاهپور معلم و فعال صنفی
- قصه ی این زخم دیرپای پر از درد
- جان باختن یک راننده تراکتور در جوانی در زمین های کشاورزی

*بنر اعتراضی تیم ورزشی دراگون بوت در فرودگاه بوشهر:

تقدیم مدال جهانی ورزشکاران بوشهری به مردم، غیر از مسئولان



***ادامه اعتراضات کارگران شهرداری خاش نسبت به عدم پرداخت چند ماه حقوق و خالی بندی شهردار مبنی بربره روز پرداخت شدن حقوق**

روزشنبه 28 مرداد، کارگران شهرداری خاش دراستان سیستان وبلوچستان از ادامه اعتراضشان نسبت به عدم پرداخت چند ماه حقوق و خالی بندی شهردار مبنی بربره روز پرداخت شدن حقوق،خبردادند.

کارگران مجموعه شهرداری خاش درباره وضعیت فعلی خودبه خبرنگاررسانه ای گفتند: در حال حاضر نزدیک به 300 کارگر که در شهرداری مشغول به کار هستند، بین سه تا چهار ماه حقوق خود را دریافت نکرده اند و دچار مشکلات عدیده ای هستند.

یکی از کارگران شاغل بخش خدمات شهرداری خاش با یادآوری اینکه متاسفانه مسئولان در ارتباط با وضعیت فعلی ما کارگران شهرداری کمتر احساس مسئولیت می کنند، ادامه داد: روزگار کارگران شهرداری خاش در حالی به سختی می گذرد که اخیر شهردار در گفتگو با یکی از خبرگزاری ها اعلام کرده حقوق کارگران به روز پرداخت می شود.

او گفت: چندین بار با مسئولان شهری صحبت کردیم و آن ها نیز قول پیگیری داده اند اما تا امروز که 3 روز به پایان مرداد ماه باقی مانده و به شهریور نزدیک می شویم، هنوز هیچ اقدامی برای پرداخت حقوق معوقه کارگران صورت نپذیرفته است و و کارگران همچنان بدون دستمزد و حقوق در شرایطی سخت منتظر اقدامات مسئولان هستند.

وی با بیان اینکه هرکدام از ما به‌صورت میانگین از صبح زود تا ساعت 11 شب در شهر مشغول خدمت‌رسانی به مردم و شهروندان هستیم، افزود: آخرین حقوق خود را دهم خرداد ماه دریافت کرده‌ایم که مربوط به اردیبهشت 1402 بود. این در حالیست که همکاران شرکتی 4 ماه حقوق طلبکارند.

***فراخوان کارکنان شرکت مخابرات ایران برای اعتصاب از یکم شهریوردر صورت عدم پرداخت حقوق تا 31 مرداد**

برپایه گزارش‌های منتشره در شبکه‌های اجتماعی بتاریخ 28 مرداد، کارکنان شرکت مخابرات ایران فراخوانی برای اعتصاب از یکم شهریوردر صورت عدم پرداخت حقوق تا 31 مرداد داده‌اند.

***تداوم بازداشت فعالان حقوق زنان و فعالان سیاسی گیلان و احضار تلفنی خانواده‌های بازداشت‌شدگان**

صبح امروز ۲۸ مردادماه، خانواده‌های بازداشت‌شدگان اخیر در استان گیلان با حضور در دادسرای عمومی و انقلاب رشت، خواهان پیگیری وضعیت سلامتی و اطلاع از مکان نگهداری در چهارمین روز از بازداشت آنان شدند.

بنا بر اطلاع دادستان، به‌جز «جلوه جواهری» و «فروغ سمیع‌نیا» برای مابقی بازداشت‌شدگان این پرونده، طی روزهای آتی، قرار وثیقه صادر خواهد شد، اما روند آزادی این دو فعال حقوق زنان، کماکان نامشخص است.

همچنین طی ۴ روز گذشته، «فروغ سمیع‌نیا» تنها بازداشتی این پرونده است که از حق تماس تلفنی محروم بوده است. این رویه، نگرانی بابت وضعیت جان و سلامتی او را به‌شدت افزایش داده است.

در این بین، از عصر امروز، خانواده‌های بازداشت‌شدگان با تماس تلفنی از سوی ماموران امنیتی به ساختمان وزارت اطلاعات رشت، احضار شدند. احضارهایی تلفنی و غیرقانونی که فشارهای روانی علیه این خانواده‌ها را دوچندان کرده است.

صبح روز ۲۵ مردادماه، جلوه جواهری، فروغ سمیع‌نیا، متین یزدانی، یاسمین حشدری، نگین رضایی، زهرا دادرس، زهره دادرس، واحده خوش‌سیرت، شیوا شاه‌سیاه، آزاده چاوشیان و سارا جهانی، همراه با هومن طاهری از فعالان سیاسی ساکن استان گیلان در منازل شخصی خود در شهرهای رشت، انزلی، لاهیجان و فومن بازداشت شدند. بازداشت‌هایی گسترده که همگی با تضييع حقوق اساسی آنان همراه بوده است.

برگرفته از کانال بیدارزنی

***تجمع اعتراضی خانوادگی کنکوری‌های 1402 نسبت به مصوبه شورای انقلاب فرهنگی مبنی برتاثیر قطعی معدل**

شبکه های اجتماعی با انتشار تصاویری از تجمع خانوادگی روزشنبه 28 مرداد کنکوری های 1402 در اعتراض به مصوبه شورای انقلاب فرهنگی مبنی بر تاثیر قطعی معدل در سازمان آموزش و پرورش خبر دادند.



***تجمع اعتراضی جمعی از دانشجویان دندانپزشکی نسبت به دیراطلاع رسانی زمان و اعلام نشدن منابع آزمون مقابل وزارت بهداشت**

براساس تصویر و گزارش منتشره در شبکه های اجتماعی، روزشنبه 28 مرداد، جمعی از دانشجویان دندانپزشکی برای اعتراض به دیراطلاع رسانی زمان و اعلام نشدن منابع آزمون صلاحیت بالینی دندانپزشکی مقابل وزارت بهداشت تجمع کردند.



***تجمع اعتراضی سهامداران شرکت وسدید مقابل ساختمان شرکت فرابورس**

انتشار تصویر زیر در شبکه های اجتماعی حاکی از تجمع اعتراضی روزشنبه 28 مرداد سهامداران شرکت وسدید مقابل ساختمان شرکت فرابورس می باشد.



***بازداشت فرمیسک بابایی در پاوه و تداوم بی‌خبری از وضعیت او**

فرمیسک بابایی، شهروند معترض اهل پاوه در تاریخ ۲۶ مرداد توسط نیروهای امنیتی این شهر، همراه با خشونت بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شد.

از محل نگهداری و وضعیت او اطلاعی در دست نیست.

***بازداشت مهسا بصیر توانا و تداوم بی‌خبری از وضعیت او**

مهسا بصیر توانا، خواهر مهران بصیر توانا، جوان کشته‌شده در جنبش ژن، ژیان نازادی، در تاریخ ۲۶ مرداد توسط نیروهای امنیتی در شهر فومن بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل گردید.

او هنگام خروج از بیمارستان محل بستری مادرش بازداشت شده است.

از محل نگهداری و وضعیت او اطلاعی در دست نیست.

منبع 2 خبربالا: کانال بیدارزنی

***محرومیت از تحصیل در آستانه فارغ‌التحصیلی!**

دینا قالیباف، دانشجوی کارشناسی رشته علوم‌سیاسی دانشگاه بهشتی، با حکم کمیته تجدیدنظر دانشگاه، به دو ترم منع موقت از تحصیل با احتساب سنوات محکوم شد.

گفتنی است این دانشجوی پیش از این، بدون اطلاع قبلی و صدور حکم انضباطی، از شرکت در آخرین امتحان دوره کارشناسی‌اش محروم شده بود.

همچنین گزارش‌ها حاکی از آن هستند که محکومیت ایشان، با هماهنگی کامل با نیروهای امنیتی و به درخواست آنان صورت گرفته است.

***انصراف دو تن از دانشجویان رشته‌ی مطالعات فرهنگی و انسان‌شناسی**

مهدی نصرتی (دانشجوی مطالعات فرهنگی) و محمد نجفی‌زاد (دانشجوی انسان‌شناسی) پس از اطلاع از خروج دکتر امیر از دانشگاه و همچنین عدم تمدید قرارداد دکتر محمدمهدی خوبی، از ادامه‌ی تحصیل در دانشکده‌ی علوم اجتماعی علامه طباطبایی انصراف دادند.

سطح علمی دانشگاه‌های کشور روز به روز در حال افول است به گونه‌ای که با ادامه روند حذف اساتید دغدغه‌مند، دیگر انگیزه‌ای برای تحصیل در مقاطع بالاتر وجود نخواهد داشت.

***سایه‌ی سرکوب بر سر اساتید**

طبق گزارش‌هایی که از سوی دانشجویان بدست ما رسیده، در پی تشکیل پرونده توسط هیات انتظامی اعضای هیات علمی دانشگاه برای دکتر آذین موحد، دانشیار گروه موسیقی دانشکده‌ی هنرهای زیبا، ایشان از تدریس تا صدور حکم توسط هیات مذکور تعلیق شده‌اند.

دکتر موحد در خیزش ژینا به حمایت از دانشجویان و حقوق آنان پرداخت و در اعتصابات دانشجویی از برگزاری کلاس‌های درس خودداری نمودند. همچنین ایشان به یورش وحشیانه حراست دانشگاه در تاریخ ۲۳ اردیبهشت واکنش نشان داده و اعتراض کردند.

این استاد با سابقه، در دی ماه سال گذشته خبر از قطعی حقوق خود به صورت غیر قانونی داده بودند که با اعتراض دانشجویان به این تصمیم غیرقانونی همراه بود. با این حال دکتر موحد به تدریس خود ادامه دادند و با وجود گذشت ۲۹ سال از تدریس در دانشگاه، از ادامه تدریس تعلیق شدند.

فشار های دانشگاه برای تعلیق و اخراج اساتید از همان اوایل اعتراضات تا کنون روز به روز افزایش یافته است. با این حال مسئولین دانشگاه از فرصت عدم حضور دانشجو در دانشگاه بیشترین بهره را برده و به تصفیه اساتید دغدغه‌مند در تابستان می‌پردازند تا همانطور که دانشگاه را از دانشجویان معترض خالی می‌کنند، از اساتیدی که در برابر ظلم سکوت نکرده و همراه دانشجویان بوده‌اند نیز تهی کنند.

لازم به ذکر است اتهامات ایشان کاملاً سیاسی و غیر علمی هستند.

***در ادامه فشار بر سارا سیاهپور معلم و فعال صنفی**

شعبه یکم اجرای احکام دادگاه انقلاب برای اجرای شش سال حبس سارا سیاهپور با صدور ابلاغی برای وثیقه‌گذار ایشان اعلام کرده است به علت عدم معرفی و تحویل نامبرده دستور ضبط وثیقه شما به نفع دولت صادر گردید.

شورای هماهنگی ضمن محکوم کردن موج فشارهای وارده بر فعالان صنفی، استمرار این فشارها را نه تنها مانع کنشگری نمی‌داند بلکه آن را یکی از عوامل مهم تداوم مطالبه‌گری و انسجام مطالبه‌گران در مسیر کنشگری صنفی ارزیابی می‌کند.

***قصه ی این زخم. دیرپای پر از درد**

«شکست در عرصه‌ی عمل به شکست به واسطه‌ی انفعال و بی عملی ترجیح دارد.»

بیژن جزنی، در اشاره به کودتای ۲۸ مرداد

چه بر سر مردمی می‌آید که صبح فریاد می‌زنند درود بر مصدق و هنگام غروب می‌گویند مرگ بر مصدق؟ آیا ما هنوز همان مردم هستیم؟ اصلاً آیا چنین برداشتی هرگز درباره‌ی جامعه‌ی ما مصداق داشته است؟ فصل جدید مبارزات و مقاومت شجاعانه چند سال اخیر به وضوح خط بطلانی بر چنین برداشتی از جامعه‌ی امروز ما می‌کشد. به علاوه، نگاهی دقیقتر به تاریخ و گذشته‌ی خودمان نشان می‌دهد که چنین تصویری از جامعه‌ی ما از ابتدا و از اساس دروغ بوده است. به شهادت تاریخ، مردمی که فریاد زدند درود بر مصدق، کارگران، روشنفکران، زحمتکشان، مبارزان ملی‌ضداستعماری از هر قشری، مبارزان چپ، و زنان و جوانان ترقیخواهی بودند که با حضور خود در خیابان نخستین اقدام به کودتا را ناکام گذاشتند. فریاد دوم اما به چند روز بعد و به بخشی از ارادل و اوباش پرهیا هو، مزدورهایی با به اصطلاح دلارهای بهبهانی در دست، و دنباله‌روهای وعاظ با

حمایت طبقه زمیندار و تجار بزرگ و وابستگان دربار و بخشی از ارتش مربوط می‌شد که جملگی طبق نقشه‌ی طراحان کودتای آژاکس حرکت می‌کردند.

همین تصویر کاذب از مردم ما، و حضور دو جبهه‌ی متخاصم در لوای کلمه‌ی واحد «مردم» نشان می‌دهد که باید با دقت و بدون تعصب و پیشداوری، گذشته‌ی خود را بررسی کنیم. امروز بیش از هر زمان دیگری ناگزیریم نقد نسبت به گذشته را به امروز بکشانیم. تجربه‌ی مبارزات این چند سال بار دیگر نشان داده که ما می‌توانیم تاریخ خود را بسازیم، ولی نه در شرایطی که خود انتخاب کرده باشیم، بلکه در شرایط داده شده‌ای که میراث گذشته است و خواه ناخواه با آن درگیر هستیم. جوانان ما سال گذشته بر آن شدند که همه چیز را به نحوی انقلابی دگرگون کنند و چیزی یکسره نو بیافرینند، اما درست در همین دوره‌ی بحرانی بخشی از ما با ترس و لرز از ارواح گذشته مدد گرفت، شعارها و نامهایشان را به عاریت گرفت تا باز همان نیروهای قدیمی با زبان عاریتی در صحنه‌ی جدید تاریخ ظاهر شود. پس در این میان به کدام تجربه‌ها و کدام جریان‌های تاریخی می‌توانیم اتکا کنیم و کدامشان چراغ راه آینده‌ی ما خواهد شد؟

در حافظه‌ی جمعی ما ۲۸ مرداد یکی از معدود لحظات تعیین‌کننده‌ی است که تاریخ ما را به دو دوراهی «پیش» و «پس» از خود تقسیم کرده است. نزدیک به سه دهه طول کشید تا جنبش مردمی ما بتواند از خاکسترهای کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ سر برآورد، و پس از آن در دهه‌ی ۱۳۶۰ مجدداً با حذف فیزیکی گسترده مواجه شد که سه دهه‌ی دیگر از ما زمان برد. امروز چه بسا در آستانه‌ی یکی دیگر از آن لحظات سرنوشت‌ساز باشیم، و یادآوری و بازاندیشی تجربه‌ی کودتا برای تجهیز و آمادگی ما در این روند تاریخی ضروری است. این نوشته‌ی کوتاه فرصت مناسبی برای مرور وقایع منتهی و مربوط به کودتا نیست، و ما نیز در این زمینه صاحب‌نظر نیستیم. قصد ما صرفاً اشاره به برخی سویه‌های معاصر در این گره‌گاه تاریخی است که اکنون نیز با آنها درگیر هستیم:

کدام مردم؟ — نخستین تلنگر ۲۸ مرداد برای امروز ما، همانطور که اشاره شد، تصحیح تصویر کاذب از مردمی است که صبح می‌گویند «درود بر» و غروب می‌گویند «مرگ بر». چنین برداشتی نه تنها مصداقی درباره‌ی مردم ما نداشته، بلکه با دادن آدرس غلط درباره‌ی ویژگی‌های ذاتی این مردم، ما را از شناخت اشتباهات گذشته و پرهیز از تکرار آنها محروم می‌کند. حال آنکه کلمه‌ی واحد «مردم» در این روایت، به دو جبهه‌ی متضاد با ماهیت طبقاتی اشاره می‌کند که کودتای ۲۸ مرداد به نوبه‌ی خود روند مداخله‌ی قدرتهای خارجی به نفع یکی از این دو جبهه و در راستای سرکوبی دیگری بوده است. امروز نیز هر چند صف‌بندی به سادگی و روشنی زمان کودتا نیست، اما کماکان هر تصویری از مردم یا ملت که ماهیت طبقاتی آن را کتمان کند، تنها به ضرر جبهه‌ی مردمی تمام خواهد شد.

قهرمان دموکراسی یا پشتیبان دیکتاتوری نظامی؟ — سال گذشته در اوج جنبش زن زندگی آزادی بسیاری از دولتها و قدرتهای جهانی با شور و حرارت از خیزش مردم حمایت می‌کردند، اما امروز بر کسی پوشیده نیست که آنها کجای این معادله قرار گرفته‌اند و با چه کسانی سر میز مذاکره نشسته‌اند. رفتار این قدرتها پدیده‌ی جدیدی نیست، چنانکه بیژن جزنی در ارزیابی تاریخ سی ساله تأکید می‌کند که «جنبش انقلابی ایران باید در برابر هر قدرت خارجی، راه مستقل خود را در پیش

گیرد و به قدرت مردم تکیه کند. چراکه قدرت‌های جهانی منافع جنبش ما را نادیده گرفته و بر اساس نیازهای خودشان روابط خود را با ایران تنظیم می‌کنند.»

اینک بر دوش ما است که موضعی نسبت به افق‌های کلی‌تر و جهانی با تأکید بر استقلال و عدم وابستگی نسبت به قدرتهای خارجی اتخاذ کنیم، زیرا از جنبش اخیر بار دیگر آموختیم که خواه ناخواه مسئله‌ی ما فقط به قدرتهای داخلی ایران محدود نمی‌ماند.

هرچند مفهوم استقلال تعریفی یک خطی و سرراست ندارد و رابطه‌ی بین ملتها در بستر تاریخ تغییر می‌کند، و در برهه‌هایی مفهوم استقلال میتواند سویه‌های کارکردی یا تحقق مرحله‌ای داشته باشد، اما هرگز اولویت استقلال برای جنبش مردمی کاهش نمی‌یابد. وقتی در تاریخ می‌خوانیم که با موافقت یا بدون موافقت شاه کودتا صورت می‌گرفت، و چه مصدق به دنبال ملی کردن نفت می‌رفت و چه به دنبال مذاکره بدون درخواست ملی کردن نفت بود، باز هم کودتا صورت می‌گرفت، دیگر نمی‌توانیم حق تعیین سرنوشت مردم به دست خویش را در اولویت قرار نداده یا خودمان را فریب دهیم که تاریخ به عقب بر نمی‌گردد.

فقط کف خیابان – از سوی دیگر، نباید به دام تئوری توطئه بیفتیم و هر اتفاق کوچک و بزرگی را به دستهای پنهان پشت پرده نسبت دهیم. چنین تصور نادرستی که پس از زخم عمیق ۲۸ مرداد در ذهنیت جمعی ما حک شده، هم با واقعیت ناهمخوان است، و هم نتیجه‌ی هولناکی دارد که گویی خود مردم و کنش سیاسی آنها تاثیری در سیر حوادث ندارند. در واقع کودتای ۲۸ مرداد با اتکا به کنش سیاسی مردم قابل پیشگیری بود و اشتباه مهلک کابینه‌ی مصدق در آن برهه تاریخی خالی کردن خیابانها از طرفداران و از دست دادن قدرتمندترین پشتیبانان خود، یعنی مردم حاضر در خیابان بود، که راه را برای کودتاچیان هموار کرد.

در صورت شکست حتی مردگان نیز در امان نخواهند بود – جبهه ملی یک سازمان سیاسی منسجم نبود و با اتکا به چند چهره‌ی قابل وثوق و مطرح کردن مطالبه‌ی عمومی مثل ملی کردن نفت قوام یافت. در چنین شرایطی بدنه‌ی اجتماعی مردم در برابر رویدادها با نوعی غفلت و سرگیجه مواجه شد، و در لحظه‌ی سرنوشت ساز فاقد سرعت عمل و وحدت عمل لازم بود. امروز نیز که مسئله‌ی جبهه‌ی متحد به یکی از اولویتهای نیروهای سیاسی تبدیل شده، باید نسبت به الزامات، امتیازات و محدودیتهای چنین فرایندی آگاه باشیم. پیامدهای چنین غفلتی می‌تواند جبران‌ناپذیر باشد. چنانکه پس از شکست مردم در کودتای ۲۸ مرداد، کنترل نفت که آن اندازه مبارزه بر سرش صورت گرفته بود از کف رفت؛ کثرت گرایی نتوانست در جامعه‌ی معاصر ما ریشه بدواند؛ و از همه مهمتر اپوزیسیون (چه ملی و چه چپ) چنان در هم شکسته شد که تا مدتها امکان بازیابی نیروی خود را نداشت، و جنبش اسلامی بنیادگرا از دل همین خلأ ایجاد شده سر برآورد.

مشروعیتِ چکمه‌پوش – جامعه ما در دهه‌ی منتهی به کودتا تجربه‌ی نیم‌بندی از دموکراسی را آغاز کرده بود. اما پس از کودتا، دیگر مشروعیت حکومت به مشروعیت نظامی با اتکا به ارتش گره خورد. این وضعیت تا امروز تغییر نکرده و به رغم نمایش‌های گوناگون از انتخابات، تنها مواجهه‌ی زمامداران امور با بحران‌های متعدد مشروعیت، و مشکلات داخلی، استفاده از نیروی قهری و قدرت‌نمایی دستگاها‌ی امنیتی است که در وهله‌ی نهایی به نیروی نظامی اتکا دارد. هرچند تاریخ ما بعد از ۲۸ مرداد شاهد کودتای موفق دیگری نبوده و در دوره‌ی پهلوی دوم ارتش به طور مستقل در

ساختاری اقتصادی و سیاسی دخالت نداشت، اما نظامیگری دستکم ۷۰ سال در الگوی حاکمیتی ما ریشه دوانده و پشتوانه اصلی مشروعیت‌بخشی به حاکمیت را تشکیل داده که امروز به‌نوبه‌ی خود به نهادی چند وجهی و خودمختار بدل شده است. پیروزی مردم در نهایت یک پیروزی سیاسی است نه نظامی، اما بدون پاسخی برای نظامیگری ریشه‌دار در نهادهای سیاسی و اقتصادی به دشواری می‌توان به دستاوردی پایدار برای مردم نایل شد.

هفتاد سال از این زخم دیرپای پر از درد می‌گذرد، و شاید فکر کنیم ۲۸ مرداد تمام معناهای خود را فرسوده است و هرآنچه باید از آن یاد گرفته‌ایم. اما اکنون که در آستانه‌ی یک سالگی جنبش زن زندگی آزادی جا دارد به اندازه‌ی دقیقه‌ای هر کدام از خود بپرسیم «اگر در آن موقعیت قرار گرفته بودم، کجای این قصه قرار می‌گرفتم؟»، آیا به شناختی همه جانبه از موقعیت خود رسیده‌ایم، و سرعت عمل و وحدت عمل کافی برای مواجهه با نیروهای تاریک زمانه را داریم؟ امروز چه کاری باید انجام دهیم تا آینده‌ی ما را گذشته‌ی ما رقم نزده باشد؟ این زخم دیرپای هنوز کهنه نشده، چون هنوز جامعه‌ی ما در مسیری که می‌توانست قرار بگیرد، جای نگرفته، چون هنوز جنبش مردمی ما می‌تواند معناهای جدید و بی‌بدیلی خلق کند، و کنش امروز ما می‌تواند زخمهای گذشته را همچون مرحله‌ای ناگزیر از بلوغ تاریخی یک جامعه مرهم گذارد.

آنیشا اسدالهی

مهران رئوف

رضا شهابی

کیوان مهتدی

۲۸ مرداد ۱۴۰۲، زندان اوین

***جان باختن یک راننده تراکتور در جوانرود حین کار در زمین‌های کشاورزی**

روزجمعه 27 مرداد، یک راننده تراکتور بنام مسعود محمودی حین کار در زمین‌های کشاورزی روستای چشمه از توابع شهرستان جوانرود استان کرمانشاه بر اثر واژگونی تراکتور خود را از دست داد.

akhbarkargari2468@gmail.com